

Accounting and Financial Crises

حسابداری و بحران مالی

درس مسائل جاری حسابداری – جلسه پنجم

فهرست مطالب

مقدمه

تاریخچه

تعاریف

بازارهای مالی

شکل گیری بحران

تاثیر بحران مالی جهانی بر اقتصاد ایران

مقدمه

بحران مالی

Financial Crisis مجموعه ای از مشکلات اقتصادی است که برای نخستین بار در سال ۲۰۰۸

پدیدار شد و همچنان ادامه دارد.

مشخصه اصلی این بحران در کاهش میزان نقدینگی در نظام بانکی و اعتباری است .

این بحران با انفجار حباب **bobble burst** در بازار مسکن آمریکا و بدلیل واگذاری

وام های آسان آغاز شد ، حباب قیمت مسکن در آمریکا در نهایت منجر به بوجود آمدن افراد بدهکار به نظام بانکی شد ، خانه های این افراد

که به عنوان ضمانت در نظر گرفته شده بود به نقدینگی تبدیل نمی شد . این بحران در ابتدا به مرکز اعتبار گشایی به علت نقد نشدن وثیقه

دریافت کنندگان وام به وجود آمد که به تدریج تبدیل به بحرانی شد که تعداد زیادی از بانکها و موسسات اعتباری رادر آستانه ورشکستگی

قرار داد.

این بحران که به اتحادیه اروپا و آسیا نیز رسید ۳/۹ تریلیون دلار خسارت به بار آورده است .

تاریخچه

سوابق تاریخی نشان می دهد بسیاری از بحران های مالی ناشی از بحران در شبکه های بانکی بوده نهایتا به رکود اقتصادی و بحران بیکاری منجر است .

بحران کبیر سالهای ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۳ یک نمونه از بحران مالی در سالهای دورتر است آثار این بحران در آمریکا کانادا و اروپا فراگیر بود ، تولید در بحران مذکور تقریبا ۲۵ درصد سقوط کرد ، نرخ بیکاری به ۲۵ درصد رسید ، سطح عمومی قیمتها نیز ۲۵ درصد کاهش یافت . سقوط بازار سهام و سقوط ۳۳ درصدی حجم پول از زمینه های اولیه بحران بود .

بحران مالی جهانی در ابتدا از آمریکا و آن هم از بخش مسکن آغاز گردید و به دیگر شرکتها و بانکها و سرایت کرد . بحران مالی پدیدار شده در آمریکا باتوجه به این پیوند عمیق مالی و اقتصادی ، به سرعت تاثیر منفی خود را در بازارهای مالی و اقتصادی سایر کشورها حتی چین و هندوستان گذاشت . بطوریکه رشد اقتصادی چین از ۱۲ درصد به ۹ درصد و هند از ۸ درصد به ۶ درصد رسید.

تعاریف

بحران مالی به وضعیتی اطلاق می شود که درصد قابل توجهی از ارزش برخی از دارایی های به صورت غیرمنتظره از دست برود.

بازار سرمایه ، بازاری است که ابزارهای مالی بلند مدت با سررسید بیش از یکسال در آن مورد معامله قرارگیرد .

بازار پول بنا به تعریف ، بازاری است برای دادوستد پول و دیگر داراییهای مالی جانشین نزدیک پول که سررسید کمتر از یکسال دارند .

رکود در تعریف اقتصادی به دو دوره سه ماهه پیاپی رشد منفی در اقتصاد یک کشور اطلاق می شود . رکود بر این اساس به معنای کاهنده بودن رشد تولید

ناخالص داخلی واقعی است .

تورم عموما به معنی افزایش غیر متناسب سطح عمومی قیمت در نظر گرفته می شود .

سیاست پولی انبساطی سیاستی است که موجب افزایش حجم پول در اقتصاد می شود

بحران مالی به وضعیتی اطلاق می شود که درصد قابل توجهی از ارزش برخی از دارایی ها به صورت غیرمنتظره از دست برود.

The term **financial crisis** is applied broadly to a variety of situations in which some financial assets suddenly lose a large part of their nominal value. In the 19th and early 20th centuries, many financial crises were associated with banking panics / fears / alarms, and many recessions coincided with these panics. Other situations that are often called financial crises include stock market crashes and the bursting of other financial bubbles, currency crises, and sovereign / supreme defaults. Financial crises directly result in a loss of paper wealth but do not necessarily result in changes in the real economy.

Many economists have offered theories about how financial crises develop and how they could be prevented. There is no consensus, however, and financial crises continue to occur from time to time.

7

بحران مالی :

عنوان واصطلاح بحران مالی بصورت کلی به وضعیتهای متعددی اطلاق می شود که برخی از دارایی های مالی بخش قابل توجهی از ارزش خود را از دست می دهند .

در قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم بسیاری از بحرانهای مالی با شکها ومشکلات مالی بانکها همراه بودند وبسیاری از بحرانها هم بااین ترسهاومشکلات همراه بودند .

والبتّه بعضا در قلمرو بحران های مالی شکست بازارهای سهام به دنبال آن می آیند .

وانفجار انواع بقیه بحران های مالی مانند نقدینگی ومشکلات اساسی که تاثیر بر یک سیستم می گذارد .

این بحرانهای مالی عمدتا باعث از دست رفتن ارزش دارایی ها در کاغذ می شود ، ولی واقعیت این است که در ارزش اقتصادی آن دارایی ها تاثیر داده نمی شود .

خیلی از اقتصاد دانان تنوریهای داده اند که چگونه این بحرانهای مالی ایجاد می شوند ، و چگونه می توان مانع آن شوند .

تنوریهای زیادی وجود دارد ولی هیچ کدام قطعی عمل نکردند ، و بحرانهای مالی همچنان وجود داشته اند و منتقل می شوند .

بازار سرمایه بازاری است که ابزارهای مالی بلند مدت با سررسید بیش از یکسال در آن مورد معامله قرار می گیرد .

Capital markets are financial markets for the buying and selling of long-term debt or equity-backed securities. These markets channel the wealth of savers to those who can put it to long-term productive use, such as companies or governments making long-term investments.^[1]

Capital markets are defined as markets in which money is provided for periods longer than a year.^[2] Financial regulators, such as the UK's Bank of England (BoE) or the U.S. Securities and Exchange Commission (SEC), oversee the capital markets in their jurisdictions to protect investors against fraud, among other duties.

بازار سرمایه :

بازار سرمایه ، بازار های مالی هستند که برای خرید و فروش بدهی ها ، سهام و سرمایه های بلند مدت حداقل یکسال یا بیشتر استفاده می شود .

این بازار ها ، بین ثروت پس انداز کنندگان و کسانی که می توانند آنها را در فعالیتهای طولانی مدت به کار بگیرند مثل شرکتها یا دولت در مورد سرمایه گذاری های بلند مدت که باید انجام شود ارتباط برقرار می کنند .

کسانی که قوانین مالی را وضع می کنند مثل یو کا اس بانک در انگلستان و کمیسیون اوراق بهادار آمریکا فعالیت مربوط به بازار سرمایه را در قلمرو خود هدایت می کنند که سرمایه گذاران اعتماد کنند و حقوق آنها را در برابر تقلب حفظ کنند .

Money market

As money became a commodity, the **money market** became a component of the financial markets for assets involved in short-term borrowing, lending, buying and selling with original maturities of one year or less. Trading in money markets is done over the counter and is wholesale.

There are several money market instruments, including treasury bills, commercial paper, bankers' acceptances, deposits, certificates of deposit, bills of exchange, repurchase agreements, federal funds, and short-lived mortgage, and asset-backed securities.^[1] The instruments bear differing maturities, currencies, credit risks, and structure and thus may be used to distribute exposure.^[2]

Money markets, which provide liquidity for the global financial system, and capital markets make up the financial market.

بازار پول :

از وقتی که پول به عنوان کالا وجود دارد بازار پول هم بخشی از بازار مالی شد .

ودارایی هایی که کوتاه مدت برای وام دادن ها ویا برای خرید و فروش کالاهایی که سررسید آنها یکسال یا کمتر بود ، قرض گرفته می شد.

در واقع بازار های پولی هم بخشی از بازارهای مالی هستند که عمدتا در فعالیتهایی مربوط به قرض گرفتن ،قرض دادن وسرمایه گذاری وارد می شوند

وعمدتا فعالیتهای بازار پول برای دوره های کوتاه تر از یکسال است .

بازار مالی

بازار مالی بازاری است که در آن افراد حقیقی و حقوقی می توانند به معامله اوراق ضمانت مالی و دیگر دارایی هایی مثل (عوض دار) با هزینه مبادلاتی پایین، و در قیمت هایی که تابع عرضه و تقاضا هستند، بپردازند. اوراق ضمانت شامل سهام، اوراق قرضه و برخی کالاها (شامل فلزات گرانبها یا محصولات کشاورزی) می شوند.

دو نوع بازار، **عمومی** (جایی که انواع زیادی از کالا در آن معامله می شود) و بازار **اختصاصی** (جایی که تنها یک نوع کالا معامله می شود) وجود دارند.

بازارها خریداران و فروشندگان علاقه مند زیادی شامل خانوارها، شرکتها و آژانس های دولتی را در یک مکان جمع میکند، لذا پیدا کردن هم دیگر را برای آنها آسان می سازد.

اقتصادی که اصولاً برای اختصاص منابع بر معاملات میان خریداران و فروشندگان وابسته است، به عنوان اقتصاد بازاری شناخته می شود که در مقابل اقتصاد دستوری یا اقتصاد غیر بازاری مثل اقتصاد هدیه محور است.

بازارهای مالی

بازارهای مالی به دودسته تقسیم می شوند:

۱ – بازار پولی: که در برگیرنده بازار بین بانکی است.

۲ – بازار سرمایه و سهام: که بازارها شرکت های مختلف را در بر می گیرند.

در بازار پولی معمولاً آنچه برای بانک ها و موسسه های پولی ایجاد درآمد می کند قرض دادن به دیگران جهت کسب سود است از جمله بازارهایی که به هر دو عرصه ارتباط می یابند بازارهای اعطای وام مسکونی و رهنی است.

بخش بزرگی از بازارهای مالی هر کشور یا بازار مالی جهانی را همین بازار قرض و وام تشکیل می دهد.

در واقع، موسسه های مالی به خریداران مسکن در ازای گرو گرفتن خانه هایشان وام می پردازند و از این رهگذر، درآمد و سود ایجاد می کنند.

بازار وام مسکن به ویژه در آمریکا در خلال سال های گذشته به دو بخش تقسیم شده است:

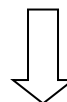
بخش اول، بازار مسکن اصلی است. در این بازار وام گیرنده به هنگام خرید خانه، خود بخشی از بهای آن را می پردازد. در عین حال قدرت بازپرداخت وام را داراست و در این راه با مشکلی مواجه نمی شود.

بخش دوم، بازار مسکن فرعی است و به این بازار که در دهه اخیر رشد قابل ملاحظه ای داشته است، بازار مسکن غیر واجد صلاحیت نیز می گویند، زیرا وام گیرندگان معمولاً حتی امکان پرداخت بخشی از بهای خانه را نیز ندارند و بیشتر آنان قادر به بازپرداخت به موقع بدهی خود نیستند.

بانکها برای اینکه بتوانند این افراد را به اخذ وام و خرید خانه ترغیب کنند، تمام قیمت خانه را به صورت وام در اختیار آنان قرار دادند. این بخش از بازار مسکن از جایی شروع شد که دو موسسه مالی فانی می و فردی مک با کمک دولت ایجاد شدند تا مردم را در صاحب خانه شدن یاری دهند.

شکل گیری بحران

- کاهش نرخ بهره
- سیاست انبساط پولی
- اعطای وام به همه مردم حتی بدون رتبه بندی مناسب مشتریان
- کاهش مقررات ناظر بر فعالیت بانک ها و بازارهای مالی در سراسر جهان



- تقاضای شدید مسکن
- افزایش قیمت
- افزایش سرمایه گذاری در مسکن و تولید انبوه



- رکود در سایر بخشها
- افزایش نرخ بهره
- کاهش تقاضای مسکن
- کاهش شدید قیمت مسکن
- رها کردن مسکن های نیمه تمام عدم پرداخت اقساط بانکها
- مطالبات بانکها

دراثر ورود نامناسب نقدینگی به بازار مسکن ، قیمت ها به شکل سرسام آوری افزایش یافت و این افزایش قیمت ها ، شوق مردم ومؤسسات مالی را در دریافت و پرداخت وام بیشتر میکرد ، زیرا در ظاهر همه سود می کردند تا اینکه بخشی از وام گیرندگان نتوانستند از عهده پرداخت اقساط وام خود بیایند و خانه هایشان از سوی این موسسه ها در حراج فروخته می شد .

بدین ترتیب بانکها ۲,۲ میلیون مسکن را در ایالات متحده به دلیل ناتوانی مردم در پرداخت اقساط به حراج گذاشتند . حراج این تعداد خانه به نوبه خود ، به بهای مسکن کاهش داد، مردم در نتیجه کاهش بهای مسکن ، زیان دیده بودند از پرداخت اقساط وام خود سرباز زدند و در نتیجه بحران ابعاد تازه ای به خود گرفت .

نکته بعد این است که شرکتهای وام دهنده آگاه بودند که وام گیرندگان واجد شرایط نیستند بنابراین به فروش و کم کردن این وامها مبادرت کردند .

به بیان دیگر ، موسسه مالی که مقدار قابل ملاحظه ای وام در اختیار افراد غیر واجد صلاحیت قرار داده بود ، آنها را به مؤسسات مالی دیگر به

طور عمده موسسه های مالی بازنشستگی فروختند ، همچنین بانکهایی که تمام یا بخشی از مؤسسات مالی بازنشستگی بودند یا دیونی

نسبتا پایین را خریداری کرده بودند برای اینکه خود را در برابر ریسک های احتمالی پوشش دهند ، شرکتهای تازه تاسیس کردند .

وام های مسکن به صورت زنجیره ای به هم متصل بودند ، در یک سو مشتری که قدرت پرداخت نداشت قرار داشت و در سوی دیگر

مؤسسات وام دهنده که به بانکهای سرمایه گذاری متصل بودند قرار داشتند ، بانکها نیز به شرکتهای فرعی خود در ارتباط بودند .

ناتوانی مشتریان در بازپرداخت وامها موجب کاهش نقدینگی در بانکها شد که باعث بروز بحران در بانکهای سرمایه گذاری بود

بدین ترتیب بحران دامن گیر همه مؤسسات شد و کمبود نقدینگی دامن همه را گرفت .

این امر سبب بروز بحران شدید کمبود نقدینگی مؤسسات مالی شد و آنها را یکی پس از دیگری ورشکست کرد . بر اثر بروز بحران دولت

آمریکا برخی از مؤسسات را خریدتا از مهلکه نجاتشان دهد .

برخی از شرکتها نیز از کمک دولت محروم ماندند . نتیجه ، بیکاری گسترده بود .

به بیان دیده ،ریشه بحران کنونی را باید در شکل گیری حباب مسکن فرعی و ترکیب آن دانست.

این بحران پس از مدتی به یک بحران اقتصادی جهانی تبدیل شد و امواج آن با شدت وضعف به دیگر نقاط جهان نیز سرایت کرده و چند

میزان تاثیر پذیری کشورها به نسبت بازیگری آنها در اقتصاد جهانی متفاوت بود اما به دلیل مقتضیات نظام بین المللی کنونی پیامدهای

این بحران در بسیاری از حوزه ها متفاوت بود ،از اواسط سال ۲۰۰۸ میلادی تقریباً همه کشورهای توسعه کاهش ناگهانی

رشد اقتصادی تجربه کردند ،بسیاری از این کشورها نیز رفته رفته دچار رکود اقتصادی شدند.

بسته به عواملی چون وضعیت اولیه حسابهای جاری و داراییهای خارجی کشورهای در حال توسعه بحران مالی به طرق مختلف به این کشورها سرایت کرد .

تاثیر بحران مالی بر اقتصاد ایران

در خصوص چگونگی تاثیر پذیری ایران از بحران مالی جهانی باید گفت اگرچه اقتصاد ایران با امریکا ،بانک ها و موسسات مالی بزرگ جهان

ارتباط تنگاتنگ ندارد از این رو به طور مستقیم از این بحران متضرر نشد اما اثرات غیر مستقیم آن بر اقتصاد کشور به خصوص در زمینه

کاهش درآمدهای حاصل از صدور نفت خام ،کاهش صادرات غیر نفتی به ویژه محصولات پتروشیمی ،افزایش کسری بودجه ، کاهش ذخایر

ارزی و تضعیف جایگاه بورس در بازار سرمایه قابل چشم پوشی نیست.

کاهش قیمت هر بشکه نفت از ۱۴۷ دلار در ژانویه به کمتر از ۴۰ دلار در پایان سال ۲۰۰۸ نشانگر تاثیر عمیق بحران بر اقتصاد نفتی است .

وابستگی شدید ایران به درآمدهای نفتی باعث می شود هرگونه تغییر قیمت نفت تاثیر شدیدی بر وضعیت مالی دولت ایجاد کند.

تاثیر تغییر قیمت نفت بر شاخصهای اقتصادی کشور نیز تاثیر می گذارد

کاهش قیمت نفت علاوه بر تاثیر منفی بر تولیدات داخلی موجبات کاهش تولید و افزایش سطح عمومی قیمت ها (تورم) را فراهم می کند.

با کاهش درآمد دولت تزریق منابع به واحدهای تولیدی کاهش خواهد یافت ،و این امر با توجه به کاهش درآمد خانوارها و پس انداز از یک سو

و بالا بودن نرخ تورم از سوی دیگر باعث کاهش نرخ بازدهی سرمایه گذاری شده وود .خطر رکود اقتصادی بیشتر می شود.